



دادگاه کیفری بین المللی رواندا

پدیدآورده (ها) : طباطبایی، سید احمد؛ میری، حمید
حقوق :: حقوق خصوصی :: پاییز و زمستان 1384 - شماره 9 (علمی-ترویجی)
از 35 تا 66
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/364144>

دانلود شده توسط : فاطمه دهقانی
تاریخ دانلود : 22/12/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا

دکتر سید احمد طباطبایی*

استادیار دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران

حمید میری

(تاریخ دریافت: ۸۵/۵/۱۲، تاریخ تصویب: ۸۵/۹/۱۷)

چکیده

درگیری‌های قومی در کشور رواندا در سال ۱۹۹۴ میلادی، به کشتار و قتل عام صدها هزار نفر منجر گردید. شورای امنیت سازمان ملل متحد همانند اقدام خود در برابر نسل‌کشی در یوگسلاوی سابق، با تصویب قطعنامه ۹۵۵، مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴، بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل، دادگاه ویژه ای را برای تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین به کشتار جمعی و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی تأسیس نمود. در این مقاله نمای کلی از ساختار، ارکان، صلاحیت‌ها، آیین دادرسی و گزارشی از فعالیت‌ها و محاکمات دادگاه ارائه شده است. همچنین ابعاد خاصی از دادگاه که از دیدگاه حقوق بین‌الملل حائز اهمیت بیش‌تری است از قبیل مبنای مشروعیت دادگاه، مزایا و مصونیت‌های قضات و کارکنان دادگاه، تعهد کشورها مبنی بر همکاری با دادگاه و عدالت کیفری از جمله حمایت از شاهدان و قربانیان، متهمین و محکومین دادگاه، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این مقاله همچنین در موارد مقتضی مطالعه تطبیقی با دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دیوان کیفری بین‌المللی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: محکمه کیفری بین‌المللی رواندا، جنایات جنگی، نسل‌کشی، شورای امنیت، حقوق بشر دوستانه.

*Email: sataba@ut.ac.ir

مقدمه

تا قبل از استقلال رواندا در سال ۱۹۶۲ و حاکمیت اکثریت «هوتوها»^۱ بر رواندا، اقلیت قومی «توتسی‌ها»^۲ حکومت رواندا را در اختیار داشتند. در دوران انتقالی رواندا برای استقلال، هوتوها علیه توتسی‌ها مبارزه می‌کردند و در نتیجه شمار زیادی از توتسی‌ها رواندا را به سوی کشورهای همسایه ترک نمودند و از آن جا به صورت متناوب حملاتی را علیه هوتوها برای کسب مجدد قدرت انجام می‌دادند. این حملات سبب می‌شد که هوتوها از توتسی‌های باقی مانده در رواندا انتقام بگیرند. توتسی‌های پناهنده در اوگاندا «جبهه میهنی رواندا»^۳ را تشکیل دادند و در سال‌های ۱۹۹۲ - ۱۹۹۰ چندین بار حمله ناموفق برای کسب قدرت علیه حکومت رواندا انجام دادند (بوئد، ۲۰۰۱، ص ۶۰).

در ششم آوریل ۱۹۹۴ هواپیمای حامل «جوونال هابی آریمانا»^۴ رئیس جمهور هوتویی رواندا و «سییرین نتاریامیرا»^۵ رئیس جمهور برونیدی در حال فرود آمدن در فرودگاه کیگالی، پایتخت رواندا مورد اصابت موشک فرد یا افراد ناشناس قرار گرفت و سرنشینان آن کشته شدند. هوتوهای افراطی که عمدتاً متشکل از مردان طرفدار دولت وقت بودند، حمله به هواپیمای حامل رئیس جمهوری را به توتسی‌ها نسبت داده، آن را اعلان جنگ قلمداد کردند؛ لذا تسویه حساب با اقلیت های توتسی و مخالفان رژیم هوتو به طور گسترده و سازمان یافته آغاز گردید. در کیگالی^۶ پایتخت رواندا، گارد ریاست جمهوری اقدامات تلافی جویانه را آغاز کردند. رهبران گروه‌های مخالف

^۱ - Hutus

^۲ - Tutsi

^۳ - Rwandan Patriotic Front (RPF)

^۴ - Boed

^۵ - Juvenal Habyarimana

^۶ - Cyprien Ntaryamira

^۷ - Kigali

دولت به قتل رسیدند و بلافاصله قتل عام توتسی‌ها و هوتوهای میانه رو آغاز شد. پلیس و سربازان، شهروندان عادی را به شرکت در این قتل عام تشویق کردند و در برخی موارد غیر نظامیان هوتو را وادار کردند که همسایگان توتسی خود را به قتل برسانند (بوئند، ۲۰۰۱، ص ۶۰؛ پیس، ۱۳۸۴، ص ۴۱۵ - ۴۱۴). در این نسل‌کشی، بالغ بر هشتصد هزار نفر که عمدتاً از قوم توتسی و همچنین شماری از هوتوهای میانه رو بودند، در کم‌تر از ۱۰۰ روز به دست نیروهای شبه نظامی هوتوهای تندرو کشته شدند.^۱ بسیاری از قربانیان را کودکان زنان و سالخوردگان تشکیل می‌دادند (بوئند، ۲۰۰۱، ص ۶۰).

به دنبال این نسل‌کشی، نیروهای شورشی توتسی موسوم به «جبهه میهنی رواندا» در جهت کسب قدرت و توقف کشتار، تهاجم خود را علیه هوتوها آغاز کردند؛ اگرچه این گروه نیز در مقابله با هوتوها بعضاً دست به جنایات مشابه اقدامات هوتوها زدند (اسنو،^۲ ۲۰۰۴، ص ۷). در نهایت در ۱۸ ژولای ۱۹۹۴ جبهه میهنی رواندا کنترل کشور را به دست گرفت و نسل‌کشی پایان یافت (بوئند، ۲۰۰۱، ص ۶۰).

نسل‌کشی در رواندا از جمله فجیع‌ترین وقایع تاریخی قرن بیستم محسوب می‌شود. آمارها حاکی از آن است که در منازعات این کشور، علاوه بر کشته شدن حدود ۸۰۰۰۰۰ نفر، حدود دویست و پنجاه تا پانصد هزار مورد تجاوز جنسی صورت گرفته است (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۱). بر اثر بحران رواندا، تا اواسط ماه جولای ۱۹۹۴ بیش از دو میلیون رواندایی مجبور شدند به کشورهای همسایه مهاجرت کنند. صدها هزار رواندایی نیز در کمپ‌هایی واقع در بروندی، تانزانیا و زئیر سکن‌گزیده بودند.

^۱- برخی منابع این تعداد را بیش از پانصد هزار نفر و بعضی دیگر بیش از یک میلیون نفر اعلام کرده‌اند.

^۲- Snow

تأسیس دادگاه کیفری بین المللی

نسل کشی و ارتکاب گسترده جرائم فوق الذکر و اوضاع و احوال اسفبار کشور رواندا سبب شد که شورای امنیت سازمان ملل، در ۸ نوامبر ۱۹۹۴ با صدور قطعنامه ۹۵۵ وضعیت موجود در این کشور را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی اعلام نموده، اقدام به تأسیس دادگاه بین المللی کیفری رواندا نماید.^۱ هدف اصلی این محکمه کیفری اختصاصی^۲، تعقیب و مجازات مرتکبین به نسل کشی و دیگر نقض های فاحش حقوق بشر دوستانه بین المللی در رواندا و کشورهای همسایه بود. اساسنامه محکمه در ۳۲ ماده به عنوان ضمیمه قطعنامه ۹۵۵ به تصویب شورای امنیت رسید. شورا متعاقباً با صدور قطعنامه ۹۷۷ مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۵ مقرر دادگاه را شهر آروشا^۳ در جمهوری تانزانیا تعیین نمود.^۴ قضات و کارمندان دادگاه، نماینده بیش از ۸۰ ملت می باشند و این دادگاه بعد از مقر اصلی سازمان در نیویورک، بین المللی ترین نهاد سازمان ملل می باشد (سایت اینترنتی دادگاه).^۵ همچنین هر سال از طرف مجمع عمومی سازمان ملل بودجه ای برای اداره این دادگاه در نظر گرفته می شود.

نقش دادگاه های ملی و مردمی رواندا

به موازات محکمه بین المللی، محاکم داخلی رواندا نیز رسیدگی به جرائم ارتكابی را مورد بررسی قرار داده اند. بر اساس برخی از آمارها، ۴۰ تا ۶۰ درصد هتوها

^۱- International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR)

^۲- از این به بعد هر جا از اصطلاح دادگاه یا محکمه رواندا استفاده شود، منظور همان محکمه بین المللی کیفری رواندا می باشد.

^۳- Arusha

^۴- در اساسنامه دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق، مقرر دادگاه صراحتاً قید شده است؛ ولی در اساسنامه دادگاه رواندا به خاطر حساسیت موجود در مورد ترجیح آروشا بر شهر کیگالی (پایتخت رواندا) صراحتاً در اساسنامه این دادگاه قید نگردیده است. ر.ک. (کریانگسانک، ۱۳۸۲، ص ۴۶).

^۵- <http://69.94.11.53/default.htm>

در ارتکاب جرم دخالت داشته‌اند (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸-۱۵۶). بعد از سال ۱۹۹۴ تنها ۱۶ وکیل و ۲۶ کارشناس پلیس قضایی در کشور باقی ماندند. براساس وضع موجود در ژانویه سال ۱۹۹۸، ۴۰۰ سال زمان نیاز داشت تا جرائم نسل‌کشی متهمین مورد رسیدگی قضایی قرار گیرد. در سال ۲۰۰۰ در رواندا، حدود ۱۱۵۰۰۰ نفر منتظر محاکمه بودند که اتهام ۹۵ درصد آن‌ها ژنوساید بود. تا پایان سال ۲۰۰۰ تنها پرونده ۵۰۰۰ نفر به اتهام ژنوساید در حال رسیدگی بود، در حالی که هنوز ۱۸۰۰۰ نفر در بازداشت بودند که پرونده دادخواست نداشتند و هنوز اتهام آن‌ها مشخص نشده بود. برای رفع مشکلات فوق و تسریع در امر رسیدگی، حکومت رواندا اقدام به تأسیس محاکم مردمی موسوم به گاکاکا^۱ نمود و در اکتبر سال ۲۰۰۱، ۲۶۰۰۰۰ قضات مردمی را برای قضاوت در این محاکم انتخاب نمود. ملاک اصلی انتخاب این قضات ویژگی‌های اخلاقی بود نه تخصص قضایی. قانونی که محاکم گاکاکا را ایجاد نمود، مقرر می‌دارد که این محاکم همان صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا را خواهد داشت (بوئند، ۲۰۰۱، ص ۶۳).

سابقه تاریخی محاکم کیفری بین‌المللی

ایده تشکیل یک محکمه کیفری بین‌المللی بعد از جنگ جهانی اول از جانب اشخاص و نهادهای مختلف از جمله «انجمن بین‌المللی حقوق جزا» طرح گردید. این طرح در آن زمان مورد استقبال کشورها قرار نگرفت. در پایان جنگ جهانی دوم، کشورهای فاتح جنگ (متفقین) اقدام به تأسیس محاکم اختصاصی نورنبرگ و توکیو، برای محاکمه جنایتکاران جنگی نمودند. تأسیس این دو محکمه نقطه عطفی در تاریخ

^۱ - Gacaca

حقوق جزای بین الملل و تعقیب کیفری مرتکبین جرائم علیه بشریت به شمار می آید^۱ (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۳۶-۳۷).

در اولین سال های تشکیل سازمان ملل، لزوم تأسیس یک دادگاه دائمی بین المللی به قصد محاکمه و مجازات کسانی که باعث خشونت، جنایت و ناقض حقوق بین المللی هستند، مورد توجه کشورها قرار گرفت. اما متأسفانه فضای سیاسی بین المللی غالب در آن سال ها که مصادف با آغاز جنگ سرد بود، روند تأسیس چنین دادگاهی را با مشکل روبه رو ساخت. پس از پایان جنگ سرد، مجمع عمومی در سال ۱۹۹۰ طی قطعنامه شماره ۴۵/۴۱ از کمیسیون حقوق بین الملل درخواست نمود تا بررسی های لازم را برای تأسیس محکمه کیفری بین المللی انجام دهد. در نهایت، ایده تأسیس دیوان دائمی کیفری با امضای اساسنامه رم ۱۹۹۸، جامه عمل پوشید و پس از تصویب اساسنامه توسط تعداد مورد نیاز کشورها، در اول ژوئای سال ۲۰۰۲ اساسنامه «دیوان بین المللی کیفری»^۲ رسماً لازم الاجرا گردید.

علاوه بر محاکم فوق، شورای امنیت سازمان ملل پس از نسل کشی و ارتکاب دیگر جرائم فاحش و گسترده حقوق بشر دوستانه در حوزة بالکان، با تصویب قطعنامه ۸۰۸ مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۳، عزم خود را مبنی بر تأسیس دادگاه ویژه ای برای محاکمه رهبران دولت یوگسلاوی سابق و دیگر متهمان اعلام نمود. دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق^۳ در نهایت با تصویب قطعنامه ۸۲۷ (مورخ ۲۵ می ۱۹۹۳) شورای امنیت تأسیس گردید. از مهم ترین متهمین در این محکمه، میلیسویچ رییس جمهوری

^۱ پنج فعالیت محکمه نورنبرگ بر اساس منشور محکمه نظامی بین المللی برای محاکمه جنایتکاران جنگی صورت گرفت. این منشور ضمیمه توافق نامه لندن بود که در ۸ اوت ۱۹۴۵ چهار متفق اصلی یعنی فرانسه، انگلستان، امریکا و شوروی آن را امضا نمودند. بعدها ۱۹ کشور دیگر به آن پیوستند. جهت اطلاع بیش تر ر.ک. (میر محمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۳۷).

^۲ - International Criminal Court (ICC)

^۳ - International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)

یوگسلاوی سابق بود که در سال ۱۳۸۴ در حالی که منتظر محاکمه بود در بازداشتگاه محکمه فوت نمود.

از دیگر محاکم کیفری می‌توان به دادگاه سیرالئون اشاره داشت. شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۳۱۵ مورخ ۱۴ اوت ۲۰۰۰، وضعیت سیرالئون را خطری بالقوه برای تهدید صلح و امنیت بین‌المللی دانست. شورا در این قطعنامه از دبیر کل سازمان ملل متحد درخواست نمود تا موافقتنامه ای را برای ایجاد یک محکمه ویژه و مستقل با دولت سیرالئون تنظیم نماید. با امضای این موافقتنامه در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۲ محکمه مستقلی برای رسیدگی به جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی ارتکاب یافته در سرزمین سیرالئون تأسیس گردید. برخلاف محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا که هر دو، رکن فرعی شورای امنیت و محکمه بین‌المللی محسوب می‌گردند، ماهیت دادگاه ویژه سیرالئون ترکیبی از عناصر ملی و بین‌المللی می‌باشد. بودجه این دادگاه برخلاف دادگاه رواندا به عهده سازمان ملل نمی‌باشد. برای اطلاع بیشتر ر.ک. (ماکنزی، ۲۰۰۳، ص ۲۹۴؛ شایگان، ۱۳۸۲، ص ۳۷-۱۶)

مبانی حقوقی دادگاه رواندا

رخدادهای اواخر دهه هشتاد میلادی از جمله فروپاشی شوروی و تحولات اروپای شرقی و پیامدهای آن از جمله پایان جنگ سرد، نقطه عطفی را در فعالیت‌ها و تصمیمات شورای امنیت ایجاد نمود. از سال ۱۹۹۰ و با شروع بحران کویت، ناشی از حمله عراق به کویت، قطعنامه‌های شورای امنیت از جهت کیفی و محتوایی شامل موضوعاتی گردید که در فعالیت‌های ۴۵ سال اولیه شورا سابقه نداشته‌است.

^۱ - Mackenzie

ایجاد کمیسیون خلع سلاح عراق، کمیسیون غرامت، کمیسیون علامت گذاری مرزهای عراق با کویت از جمله این تصمیمات بود که در قالب قطعنامه ۶۸۷ تصویب گردید. نمونه دیگر این اقدامات تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی در یوگسلاوی سابق و متعاقباً ایجاد دادگاه مشابهی در رواندا می‌باشد. اگر چه این تحولات از برخی جهات مورد استقبال کشورها قرار گرفت، حقوقدانان بین‌المللی مشروعیت این تصمیمات را مورد نقد و بررسی قرار داده و بعضاً آن‌ها را خارج از صلاحیت شورای امنیت بر اساس منشور دانسته‌اند.

اهمیت مشروعیت دادگاه از آن‌جا آشکار می‌گردد که تأسیس دادگاه، پیامدهای حقوقی قابل توجهی را از جمله تعهد همکاری کشورها با دستورات و درخواست‌های دادگاه، شناسایی مصونیت و مزایا برای کارکنان دادگاه از جانب همه کشورها به دنبال داشته‌است. در تعهدات قراردادی بر اساس موافقت کشورها و برای کشورهای عضو ایجاد تعهد می‌کند؛ اما در خصوص دادگاه رواندا، کشورها بدون این که بر اساس تعهدات قراردادی متعهد به همکاری باشند، به وسیله شورای امنیت متعهد خواهند شد.

سوال اصلی این است که آیا اصولاً شورای امنیت بر اساس منشور سازمان ملل متحد می‌تواند به تأسیس چنین دادگاهی اقدام بنماید؟ با مطالعه منشور این نتیجه حاصل می‌شود که منشور صراحتاً به شورای امنیت اختیار تشکیل چنین دادگاهی را نداده‌است. یک تئوری در خصوص صلاحیت سازمان‌ها این است که سازمان‌ها تنها به مسائلی می‌توانند پردازند که اساسنامه و یا معاهده مؤسس آن‌ها صراحتاً به آن‌ها اجازه آن اقدامات را داده باشد. این عقیده و تفسیر هر چند با ظاهر مواد سازگاری و انطباق دارد، با تحولات جامعه بین‌المللی و گسترده شدن مسائل جدید تعدیل یافته‌است.

با تفسیر عینی از منشور که مبتنی بر شرایط و اوضاع و احوال موجود می‌باشد، اعتقاد به تئوری اختیارات ضمنی شورای امنیت رواج یافته و مقبولیت بین‌المللی پیدا نموده‌است. اختیارات خارج از اساسنامه در چندین رای مشورتی دیوان بین‌المللی

دادگستری، رای مشورتی در سال ۱۹۴۹ در خصوص صلاحیت سازمان ملل برای حمایت از کارکنان سازمان، رای مشورتی ۱۹۶۲ در خصوص برخی از هزینه‌های سازمان ملل متحد و رای مشورتی ۱۹۷۱ در خصوص نامیبیا، مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس رأی مشورتی دیوان در قضیه نامیبیا، شورای امنیت برای رسیدن به اهدافش که همانا حفظ نظم و صلح بین‌المللی است به وسایل و سازکارهای لازم برای رسیدن به آن نیاز دارد، هر چند در محدوده اساسنامه آن ننگجیده باشد. آرای مشورتی فوق مؤید اختیارات ضمنی^۱ سازمان می‌باشد.

شورای امنیت در قطعنامه‌های ۸۲۷ و ۹۵۵ خود با استناد به فصل ۷ منشور اقدام به تأسیس محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا نمود. بر اساس ماده ۳۹ منشور، شورای امنیت در صورت احراز تهدید صلح، نقض صلح و یا اقدام تجاوز کارانه، می‌تواند اقدامات احتیاطی (ماده ۴۰ منشور)، اعمال تحریمات گسترده از جمله اقتصادی، سیاسی (ماده ۴۱ منشور) و اقدامات نظامی (ماده ۴۲ منشور) را تصویب نماید. با مطالعه دقیق مواد فوق، ایجاد محاکم حقوقی نمی‌تواند صراحتاً در قالب فصل ۷ منشور قابل توجه باشد.

برخی از حقوقدانان و همچنین نمایندگان برخی از کشورها در شورای امنیت، مانند چین و برزیل مشروعیت چنین اقداماتی را مورد تردید و سؤال قرار داده‌اند. نماینده برزیل در شورای امنیت در خصوص تأسیس محکمه یوگسلاوی سابق اعلام نمود:

«اختیارات شورا از خود شورا نمی‌جوشد، بلکه از این حقیقت سرچشمه می‌گیرد که مسؤولیت‌های معینی توسط اعضای ملل متحد به شورا اعطا شده‌است. اختیارات شورا نمی‌تواند ایجاد شود یا دوباره به وجود آید یا توسط تصمیمات خود شورا متولد

^۱ - Implied Powers

شده، به وجود آید، بلکه باید بناچار بر مقررات خاص منشور مستند باشد. این امر دقیقاً به این علت است که شورا در زمینه حساس سیاسی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مسؤلیت خود را با ویژگی نمایندگی اعمال می‌کند.^۱

نمایندهٔ برزیل همچنین در جلسه دیگر شورا اعلام نمود:

«ایدهٔ تأسیس دادگاه، منحصرأ از طریق قطعنامهٔ شورای امنیت، که ما به آن رأی مثبت ندادیم، برخی مسائل حقوقی جدی غیر قابل حلی را در خصوص صلاحیت‌ها و اختیارات اعطا شده به شورای امنیت توسط منشور سازمان ملل به وجود می‌آورد».^۲

مواضع اعلام شده به نوعی تأکید بر اختیارات مصرح شورا دارد. نماینده چین در سازمان ملل نیز، با این استدلال به قطعنامه ۹۵۵ رأی ممتنع داد:

«در حال حاضر مردم نسبت به روشی که محکمه بین‌المللی با قطعنامه شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل تأسیس می‌شود، تردید و نگرانی دارند. اصولاً، چین برای تأسیس محکمه بین‌المللی موافق استناد به فصل هفتم منشور توسط قطعنامه شورای امنیت نمی‌باشد. وضعیتی را که سال گذشته در شورا در خصوص ایجاد محکمه بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق بیان کردم، تغییری پیدا نکرده است»^۳

«مساله صلاحیت دادگاه رواندا و مشروعیت تصمیم شورای امنیت در تأسیس دادگاه در قضیه تادیج یکی از متهمان دادگاه به طور جدی طرح گردید. دادگاه در این قضیه ضمن قانونی دانستن اقدام شورا در تأسیس دادگاه، صلاحیت خود را نیز به رسمیت می‌شناسد» (آلوارز، ۱۹۹۶، ص ۲).

در جهت توجیه تصمیم شورا، برخی به ماده ۲۹ منشور به عنوان مبنای حقوقی تأسیس محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا استناد نموده‌اند. این ماده مقرر می‌دارد:

^۱- SPV/3215

^۲- SPV/3217

^۳- SPV/3453

«شورای امنیت می‌تواند آن‌گونه از ارکان فرعی را که برای انجام دادن وظایف خود لازم می‌داند، تأسیس نماید.» قابل توضیح است که شورای امنیت در قطعنامه‌های ۸۲۷ و ۹۵۵ که منجر به تأسیس محاکم کیفری پیش‌گفته گردید، به هیچ ماده‌ای از منشور استناد ننموده و فقط به فصل ۷ منشور اشاره نموده‌است و باید توجه داشت که اولاً، ماده ۲۹ در فصل پنجم منشور قرار دارد، نه در فصل هفتم؛ ثانیاً، این سؤال مطرح است که آیا اصولاً تأسیس محاکم کیفری می‌تواند به عنوان رکن فرعی شورا قابل توجیه باشد؟ به عبارت دیگر، آیا سیاق ماده ۲۹ تحمل چنین تفسیری را دارد؟

اگر بخواهیم توجیهی برای اقدام شورا پیدا کنیم اولاً، باید دکتین صلاحیت‌های ضمنی شورا را بپذیریم؛ در عین حال بین ماده ۲۹ و فصل هفتم منشور ارتباطی ایجاد کنیم. به عبارتی دیگر، ممکن است استدلال شود که شورای امنیت پس از احراز تهدید صلح و بر اساس فصل ۷ منشور اقدامات الزام‌آوری را اتخاذ نموده، از جمله صلاحیت خود در ایجاد رکن فرعی مندرج در ماده ۲۹ را در چارچوب فصل ۷ انجام داده‌است. دبیر کل سازمان ملل نیز با همین استدلال اقدام شورا را تأیید نموده‌است. وی در گزارش مورخ ۳ می ۱۹۹۳ در خصوص تأسیس محکمه یوگسلاوی سابق که به درخواست قطعنامه ۸۰۸ به شورای امنیت ارائه گردید، اعلام نمود:

«با توجه به ضرورت فوریت کار و با توجه به این که ایجاد دادگاه از طریق انعقاد معاهده بین کشورها به زمان و فرصت کافی نیاز می‌باشد، تصمیم شورا را بر اساس فصل ۷ منشور قانوناً قابل توجیه می‌داند.»^۱

دبیر کل همچنین در گزارش خود بیان نمود: «در این قضیه خاص، شورای امنیت به عنوان اقدام الزام‌آوری تحت فصل ۷ منشور یک رکن فرعی را در چارچوب شرایط ماده ۲۹ منشور ایجاد کرده‌است، اما با ماهیت قضایی.»^۱

صلاحیت‌های محکمه

صلاحیت‌های محکمه بین‌المللی رواندا در متن اصلی قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت باختصار بیان شده‌است. اما مواد ۲ الی ۸ اساسنامه که ضمیمه قطعنامه می‌باشند، صلاحیت‌های موضوعی، شخصی، زمانی، مکانی و موازی محکمه را بیان می‌کنند. مواد ۲۳، ۲۶ و ۲۷ اساسنامه به صلاحیت‌های محکمه در خصوص مجازات‌های قابل اعمال و تخفیف مجازات‌ها می‌پردازند.

صلاحیت موضوعی: جرائم مشمول پیگرد در دادگاه رواندا

مواد دو، سه و چهار اساسنامه محکمه رواندا مقرر می‌دارند که جرائم ژنوساید، جنایات علیه بشریت و تجاوز از مقررات ماده ۳ مشترک بین معاهدات ژنو و پروتکل الحاقی شماره دو، به این شرح صلاحیت موضوعی محکمه را تشکیل می‌دهند:
نسل‌کشی (ژنوساید)

ماده ۲ اساسنامه تعریف و مصادیق ژنوساید را چنین بیان می‌کند:

«نسل‌کشی عبارت است از ارتکاب عمدی هر یک از اعمال زیر به قصد نابودی

کامل یا بخشی از یک ملت، قوم و یا گروه‌های نژادی یا مذهبی:

۱- قتل اعضای گروه؛

۲- وارد ساختن آسیب جدی به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه؛

۳- قرار دادن عمدی یک گروه در وضعیت زندگی نامناسبی که منجر به

نابودی کامل یا جزئی از آن گروه شود؛

۴- اقداماتی که با نیت ممانعت از تولید نسل در گروه صورت گیرد؛

۵- انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر.»

قابل ذکر است که مصادیق فوق‌عینا همان موارد مذکور در ماده ۴ اساسنامه محکمه یوگسلاوی می‌باشد. همین مصادیق در ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص نسل‌کشی تکرار شده‌است.

پاراگراف سوم ماده ۲ اساسنامه، علاوه بر ارتکاب ژنوساید، موارد زیر را نیز جرم و قابل مجازات می‌داند: توطئه و نقشه‌ریزی برای ارتکاب ژنوساید؛ تحریک و تهییج مستقیم و عمومی برای ارتکاب ژنوساید؛ تلاش برای ارتکاب ژنوساید؛ معاونت در ارتکاب ژنوساید.

محاکمه «جین پل آکایسو» شهردار قبلی در رواندا یک واقعه تاریخی محسوب می‌شود. وی اولین کسی بود که توسط یک محکمه بین‌المللی به ارتکاب جرم ژنوساید محکوم شد. دادگاه در این رأی، تعریف ژنوساید را که در کنوانسیون ۱۹۴۸ در خصوص ممنوعیت و مجازات جرم ژنوساید درج شده بود، تحلیل و تفسیر نمود و به طور قابل توجهی حقوق را در این قسمت توسعه داد. به طور مثال، دادگاه اعلام نمود که تجاوز جنسی و خشونت‌های جنسی مصداق عمل ژنوساید خواهد بود؛ اگر این جرم با نیت نابودی یک گروه مورد حمایت دادگاه انجام پذیرد. محکمه همچنین تجاوز جنسی را مصداق جرائم علیه بشریت قلمداد نمود (بوئند، ۲۰۰۱، ص ۶۲).
جنايات علیه بشریت

ماده ۳ اساسنامه مقرر می‌دارد که محکمه صلاحیت پیگرد اشخاصی را خواهد داشت که جرائم زیر را در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی، به دلایل ملی، سیاسی، قومی، نژادی یا مذهبی مرتکب شده باشند:

^۱ - Jean Paul Akayesu

قتل^۱، ریشه کن سازی^۲، به بردگی گرفتن^۳، تبعید^۴، زندانی نمودن، شکنجه^۵، تجاوز جنسی^۶، تعقیب و آزار یک گروه به دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی و در نهایت دیگر اقدامات غیر انسانی.

ماده ۱۵ اساسنامه محکمه یوگسلاوی سابق ضمن بیان مصادیق مذکور، این جرائم را زمانی قابل مجازات می داند که در یک مخاصمه مسلحانه بین الملل و یا داخلی علیه یک جمعیت غیر نظامی ارتکاب یابد. در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری نیز مصادیق و جزییات بیش تری از جنایات علیه بشریت مصادیق ذکر گردیده است. در اساسنامه دیوان، ناپدید کردن اجباری اشخاص و جنایت تبعیض نژادی نیز از مصادیق جنایات علیه بشریت ذکر گردیده است. همچنین علاوه بر تجاوز جنسی؛ برده گیری جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری و عقیم نمودن اجباری نیز از مصادیق جنایات علیه بشریت بیان شده است. ماده ۷ اساسنامه در پایان، اعمال غیر انسانی مشابه دیگر را که عامداً به قصد ایجاد زنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت گیرد؛ جنایت علیه بشریت می داند. در این ماده همچنین مفاهیم به بردگی گرفتن، ریشه کن کردن، حاملگی اجباری و جنایت تبعیض نژادی تعریف شده است.

نقض ماده ۳ مشترک بین معاهدات ژنو و پروتکل الحاقی شماره ۲

در این بخش توجه اساسنامه به جنایات جنگی و حقوق بشر دوستانه می باشد. مهم ترین اسناد حقوق بین الملل در این خصوص عبارتند از: معاهدات چهارگانه ژنو، ۱۲

¹ - Murder

² - Extermination

³ - Slaveholding

⁴ - Banishment

⁵ - Affliction

⁶ - Rape

اوت ۱۹۴۹ در حمایت از قربانیان جنگ و پروتکل الحاقی شماره ۱، درخصوص مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و پروتکل الحاقی شماره ۲، درخصوص مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، به معاهدات ژنو ۱۹۴۹ می‌باشد. هر دو پروتکل در سال ۱۹۷۷ در ژنو به امضا رسیده است.

ماده ۴ اساسنامه محکمه تخطی، از مقررات ماده ۳ مشترک میان معاهده ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی دوم را جرم تلقی نموده، مرتکبان آن را قابل کیفر می‌داند. مصادیق این جرائم که محدود به این موارد نمی‌باشد، عبارتند از: تعرض و تخلف نسبت به جان، و سلامتی روحی و جسمی افراد، خصوصاً قتل و رفتار بیرحمانه از قبیل شکنجه، قطع عضو و یا مجازات بدنی؛ مجازات‌های جمعی؛ گروگانگیری؛ اقدامات تروریستی؛ تجاوز به حیثیت افراد، خصوصاً رفتار اهانت و تحقیر آمیز، تجاوز جنسی، وادار ساختن به روسپیگری و هرگونه حمله نا شایسته؛ غارت؛^۱ زندانی نمودن و اعدام بدون حکم قبلی دادگاه که در آن کلیه تضمینات قضایی که توسط ملل متمدن شناخته شده است، رعایت شود؛ و تهدید برای ارتکاب هر یک از اقدامات پیش گفته.

صلاحیت شخصی

بر اساس ماده ۵ اساسنامه، این محکمه همانند دادگاه یوگسلاوی سابق تنها نسبت به اشخاص حقیقی در ارتباط با ارتکاب جرائم مندرج در اساسنامه صلاحیت دارد. به عبارت دیگر، اشخاص حقوقی، مانند مؤسسات و سازمان‌های دولتی و یا غیر دولتی از شمول صلاحیت محکمه خارج می‌باشند. البته این امر به معنای مصونیت مقامات دولتی نمی‌باشد. اساسنامه دادگاه روندا، مانند دادگاه یوگسلاوی و دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد که موقعیت و سمت رسمی هیچ فرد متهمی، خواه به عنوان رئیس دولت

^۱ - Pillage

یا حکومت و یا به عنوان یک مقام دولتی مسؤول وی را از مسؤولیت کیفری مبرا نمی‌سازد و سبب تخفیف مجازات وی نمی‌شود (بند ۲ ماده ۶ اساسنامه).

اعمال این مقررات از این جهت قابل توجه است که در تعارض با شناسایی سستی مصونیت برای مقامات دولتی است که بارزترین آن مصونیت از تعقیب رئیس دولت یا حکومت در محاکم داخلی می‌باشد. مهم ترین قضیه در این خصوص، محاکمه کامباندان^۱ نخست وزیر سابق رواندا می‌باشد که به حبس ابد (بالاترین مجازات ممکن در دادگاه) محکوم گردید (بوئند، ۲۰۰۱، ص ۶۲). براساس آمار موجود علاوه بر نامبرده، ۷ وزیر کابینه و یک نماینده و نه نیروی نظامی حکومت سابق رواندا جزء محکومین می‌باشند (سایت اینترنتی دادگاه).

دادگاه، علاوه بر مرتکبین اصلی جرم، صلاحیت وسیعی دارد تا معاونین و مسببین جرم را نیز مجازات نماید. بر اساس بند یک ماده ۶ اساسنامه فردی که یکی از جرائم مندرج در مواد ۲ الی ۴ اساسنامه را طراحی نماید، تحریک و تشویق نماید، امر نماید، مرتکب شود یا به نوعی دیگر در طراحی، زمینه سازی و اجرای آن جرم کمک و مشارکت نماید، مسؤولیت فردی نسبت به آن جرم خواهد داشت.

بر اساس مقررات دادگاه، نه مافوق مبرا از مسؤولیت کیفری می‌باشد و نه زیر دست و مأمور تحت امر فرمانده. اقدامات انجام یافته از سوی متهم، مافوق و فرمانده وی را از مسؤولیت کیفری مبرا نمی‌سازد به شرطی که مافوق از ماهیت جرائم ارتکاب یافته از سوی زیردستان خود مطلع بوده، یا منطقاً می‌بایستی مطلع بوده باشد. همچنین اگر مافوق اقدامات ضروری و منطقی را برای جلوگیری از ارتکاب چنین اعمالی از سوی زیردستان خود اتخاذ نکرده باشد و یا پس از ارتکاب، آن‌ها را مجازات نماید، مسؤولیت خواهد داشت (بند ۳ ماده ۶ اساسنامه). در مقابل، مأموران نیز نمی‌توانند با

^۱ - Kambanda

ارتکاب جرائم یاد شده به بهانه دستور مافوق از مسؤولیت کیفری نسبت به جرائم ارتکاب یافته مبرا شوند؛ اما ممکن است در صورتی که دادگاه رواندا مقتضای عدالت تشخیص دهد، نسبت به مجازات آن‌ها تخفیف داده خواهد شد (بند ۴ ماده ۶ اساسنامه).

قلمرو زمانی و مکانی دادگاه رواندا

دادگاه رواندا منحصر به حوزه‌های جغرافیایی خاص، موقت و محدود به زمان خاص می‌باشد. قلمرو مکانی در این دادگاه طبق تصریح ماده ۱ اساسنامه عبارت است از: صلاحیت تعقیب کسانی که در خاک رواندا مرتکب ژنوساید و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی شده باشند. محکمه همچنین صلاحیت دارد تا اتباع رواندایی را که در سرزمین سایر کشورهای همسایه مرتکب ژنوساید و دیگر نقض‌های مندرج در اساسنامه شده باشند، محاکمه نماید. اما صلاحیت محکمه سیرالئون تنها برای جرائمی است که در قلمرو خود کشور سیرالئون اتفاق افتاده است و به کشورهای همسایه گسترش پیدا نمی‌کند.

صلاحیت و قلمرو زمانی محکمه، بر اساس ماده ۱ در فاصله زمانی اول ژانویه ۱۹۹۴ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ سال می‌باشد و فقط به جرائم ارتکاب یافته در مقطع یاد شده صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. باید خاطر نشان کرد که ایجاد چنین محدودیت زمانی، عملاً مشکلاتی را به وجود آورده است. به‌طور مثال، در سال ۱۹۹۸ هزاران آواره در منازعات قومی رواندا به قتل رسیدند، حال آن که طبق اساسنامه دادگاه رواندا صلاحیت این دادگاه به وقایعی محدود می‌شود که در سال ۱۹۹۴ رخ داده است

قابل ذکر است که صلاحیت زمانی دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، در خصوص جرائم ارتکاب یافته از تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۱ به بعد می‌باشد، برخلاف دادگاه

^۱ - مانند اوگاندا و بروندي که احياناً در قطعنامه‌های شورای امنیت به توضیحاتی در مورد وظایف این دولت‌ها اشاره‌هایی به میان آمده است.

رواندا که تاریخ مشخصی برای انتهای صلاحیت زمانی دادگاه یوگسلاوی تعیین نشده است.

در دیوان بین‌المللی کیفری، قاعده عطف به ماسبق نشدن حاکم است و به عنوان دیوان دائمی، درخصوص صلاحیت زمانی رویکرد آن به آینده می‌باشد. ماده ۱۱ اساسنامه رم مقرر می‌دارد که جرائمی که قبل از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه ارتکاب یافته باشند، قابل پیگرد و محاکمه در دیوان نخواهند بود.

مجازات‌های قابل اعمال

شعبه‌های محکمه رواندا فقط مجازات زندان را می‌توانند صادر کنند. شدیدترین مجازات حبس ابد می‌باشد و امکان حکم اعدام وجود ندارد. در خصوص تعیین شرایط زندان، شعبه‌های رسیدگی، به رویه عمومی دادگاه‌های ملی رواندا، در خصوص احکام زندان، رجوع خواهند کرد. در صدور حکم زندان، شعبه‌های محکمه باید عواملی از قبیل شدت جرم و شرایط فردی شخص محکوم را در نظر بگیرند. شعبه‌های محکمه علاوه بر زندان ممکن است احکام دیگری صادر نمایند. دادگاه می‌تواند حکم دهد تا اموال و اشیایی که از طریق رفتار مجرمانه از جمله اکراه کسب شده‌است، به مالکان واقعی آن‌ها بازگردانده شوند (بندهای ۳-۱ ماده ۲۳ اساسنامه).

محکومین زندان خود را در رواندا یا در هر کشور دیگری که تمایل خود را برای پذیرش افراد محکوم به شورای امنیت اعلام نموده اند، با تعیین محکمه رواندا سپری خواهند نمود. اجرای حکم زندان بر طبق حقوق قابل اعمال کشور مربوطه خواهد بود، البته با نظارت محکمه رواندا (ماده ۲۶ اساسنامه). اگر بر اساس حقوق کشوری فردی که محکومیت خود را در آن کشور می‌گذرانند، مستحق عفو یا تخفیف مجازات شود؛ کشور مربوطه باید این امر را به اطلاع محکمه رواندا برساند. فقط زمانی عفو یا تخفیف انجام خواهد گرفت که رئیس محکمه رواندا، با مشورت قضات، چنین عفو یا تخفیفی را در جهت عدالت و اصول کلی حقوق تلقی کند (ماده ۲۷ اساسنامه).

صلاحیت موازی: رابطه محکمه با دادگاه‌های ملی کشورها

یکی از ویژگی‌های دادگاه رواندا و دادگاه یوگسلاوی سابق، داشتن صلاحیت موازی با دادگاه‌های ملی کشورها می‌باشد. طبق تصریح بند یک ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه رواندا، ماهیت موازی بودن صلاحیت دادگاه مزبور و دادگاه‌های ملی برای تعقیب متهمین به نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه به رسمیت شناخته شده است. با وجود این، طبق بند دو ماده مذکور صلاحیت دادگاه بین‌المللی رواندا بر دادگاه‌های ملی کلیه دولت‌ها مقدم می‌باشد. محکمه بین‌المللی رواندا در هر مرحله از رسیدگی ممکن است رسماً از محاکم ملی کشورها در خواست نماید که به صلاحیت این محکمه احترام بگذارند (کریانگسانک، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

با توجه به حجم گسترده جرائم و سیاست کلی محکمه، مبنی بر محاکمه رهبران و مجرمان اصلی، صلاحیت موازی دادگاه و مجاز بودن محاکم ملی رواندا در محاکمه مجرمین، نه تنها قابل درک، بلکه ضروری می‌باشد. اما با توجه به متفاوت بودن قانون قابل اعمال در محاکم داخلی با اساسنامه محکمه و همچنین تفاوت‌های قوانین کشورها با یکدیگر، به نظر می‌رسد که عدالت کیفری به نحو احسن قابل اجرا نباشد.

ساختار و تشکیلات دادگاه رواندا

مواد ۱۰ الی ۱۶ اساسنامه دادگاه به شرح ساختار و شیوه انتخاب قضات دادگاه می‌پردازد. بر اساس ماده ۱۰، دادگاه از سه رکن اصلی، شعبه‌های رسیدگی، دادستانی و دبیرخانه تشکیل می‌گردد:

شعبه‌های رسیدگی

دادگاه دارای ۳ شعبه رسیدگی بدوی و یک شعبه رسیدگی استینافی^۱ می‌باشد. در مجموع ۱۶ قاضی دائمی که نباید دو نفر از آن‌ها دارای یک تابعیت باشند، در

^۱ - Appeal Chamber

شعبه‌ها فعالیت خواهند نمود. در هر شعبه ۳ قاضی دائمی و حداکثر ۴ قاضی موقت^۱ حضور خواهند داشت. البته هر شعبه‌ای که دارای قاضی موقت باشد، می‌تواند به بخش‌هایی که هر کدام دارای سه قاضی متشکل از دائم و موقت باشند، تقسیم شوند. این بخش‌ها همان اختیارات و صلاحیت‌هایی را که در اساسنامه برای شعبه‌ها ذکر شده‌است، خواهند داشت (ماده ۱۱ بندهای ۲ - ۱).

در شعبه استیناف ۷ قاضی دائم عضویت دارند و در هر رسیدگی استینافی حداقل باید ۵ قاضی حضور داشته باشند (بند ۳ ماده ۱۱). اگر فردی از قضات دارای تابعیت مضاعف یا بیش‌تر از یک تابعیت باشد، تابعیت غالب وی ملاک عمل خواهد بود. بر اساس بند ۴ ماده ۱۱ اساسنامه، تابعیتی که آن فرد در آن حقوق سیاسی و مدنی را به طور عادی اعمال می‌کند، تابعیت غالب محسوب شده، ملاک عمل خواهد بود.

دادستان

دادستان مسئولیت تحقیق و تعقیب اشخاصی که نقض‌های جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را با شرایطی که قبلاً در صلاحیت‌های دادگاه ذکر شد، مرتکب شده باشند؛ به عهده دارد (بند ۱ ماده ۱۵). استقلال قضایی دادستان در دادگاه رواندا مورد تأکید قرار گرفته، به عنوان یک ارگان مستقل دادگاه عمل خواهد نمود و نباید هیچ توصیه و راهنمایی را از دولت‌ها و یا مراجع دیگر دریافت کند و بپذیرد (بند ۲ ماده ۱۵).

اداره دادستانی دادگاه رواندا، همانند خود دادگاه در شهر آروشا جمهوری تانزانیا مستقر است. بر اساس بند ۳ ماده ۱۵ اساسنامه دادگاه دادستان دادگاه رواندا با دادگاه یوگسلاوی سابق مشترک می‌باشد و توسط شورای امنیت انتخاب می‌شود. در قطعنامه ۱۵۰۳ مورخ ۲۸ آگوست شورای امنیت تصمیم گرفت تا دادستان‌های این دو

^۱ - Ad litem judge

محکمه را تفکیک نماید. بر اساس این قطعنامه، آقای حسن بوبکر جالو^۱ از ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۳ به عنوان دادستان مستقل محکمه رواندا فعالیت خود را آغاز نمود.^۲

دبیرخانه

دبیرخانه دادگاه، مسؤلیت اداره و خدمات رسانی دادگاه بین‌المللی رواندا را بر عهده دارد و شامل رئیس دبیرخانه و کارکنان دیگری که مورد نیاز باشد، خواهد بود. رئیس دبیرخانه از سوی شخص دبیرکل سازمان ملل و پس از مشورت با رئیس دادگاه رواندا برای مدت چهارسال و با امکان انتخاب مجدد، انتصاب می‌شود. دیگر کارکنان دبیرخانه نیز از سوی دبیرکل سازمان ملل و با توصیه رئیس دبیرخانه انتصاب می‌شوند (ماده ۱۶ اساسنامه). همان گونه که در بخش عدالت کیفری بیان خواهد شد، واحد حمایت از شاهدان و قربانیان، زیر نظر رئیس دبیرخانه فعالیت می‌کند.

مزایا و مصونیت‌های قضات و کارکنان دادگاه

در حقوق بین‌الملل عرفی و معاهدات بین‌المللی، مزایا و مصونیت‌های ویژه‌ای برای دیپلمات‌ها و اماکن دیپلماتیک و همچنین برای سازمان‌های بین‌المللی و کارکنان آن‌ها پیش‌بینی شده‌است. محکمه بین‌المللی رواندا، به عنوان رکن فرعی شورای امنیت دارای مزایا و مصونیت‌های خاص سازمان ملل می‌باشد.

اساسنامه محکمه رواندا مقرر می‌دارد که مفاد کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل مصوب ۱۳ فوریه ۱۹۴۶، نسبت به محکمه رواندا؛ قضات؛ دادستان و کارمندان وی و رئیس دبیرخانه و کارمندان وی قابل اعمال خواهد بود (بند ۱ ماده ۲۹). علاوه بر کنوانسیون مذکور، قضات، دادستان و رئیس دبیرخانه از مزایا و مصونیت‌هایی که بر اساس حقوق بین‌الملل برای هیأت‌های دیپلماتیک فراهم شده،

^۱ - Hassan Bubacar Jallow

^۲ - از دادستان‌های سابق این دادگاه می‌توان به خانم لوییز آربور یا ریچارد جی گلدستون اشاره داشت.

بهره‌مند خواهند شد (بند ۲ ماده ۲۹ اساسنامه). هیأت‌های دیپلماتیک، بر اساس کنوانسیون وین ۱۹۶۱ در خصوص حقوق دیپلماتیک، از مزایا و مصونیت‌های گسترده‌ای از جمله مصونیت از تعرض، مصونیت‌های کیفری و مدنی و معافیت‌های مالیاتی و گمرکی برخوردارند. بر اساس اساسنامه محکمه رواندا، به هر حال حال کارکنان و دادستان و دبیرخانه شامل این نوع مصونیت‌ها و مزایا نخواهند شد.

در مقابل، کارمندان فوق از مزایا و مصونیت‌هایی که برای کارمندان سازمان ملل، بر اساس مواد ۶ و ۷ کنوانسیون ۱۹۴۶ مذکور منظور گردیده، برخوردار خواهند شد (بند ۳ ماده ۲۹ اساسنامه). بر اساس این مواد، کارشناسان سازمان ملل در حال اجرای مأموریت و حتی در حین سفر، از مزایا و مصونیت‌هایی که برای انجام دادن وظایفشان ضروری باشد، برخوردار خواهند بود. از جمله، از دستگیری، بازداشت و ضبط اموال و اشیاء مصونیت خواهند داشت. در خصوص گفته‌ها و نوشته‌های خود و اقداماتی که انجام می‌دهند، از هر گونه اقدام حقوقی مصونیت خواهند داشت و از مزایای خاص برای مسافرت از جمله گذرنامه سیاسی برخوردار خواهند بود.

در ماده ۳۰ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق نیز، کلیه موارد فوق در خصوص مزایا و مصونیت‌ها، برای قضات و کارمندان این دادگاه پیش‌بینی گردیده است.

تعهد دولت‌ها برای همکاری با محکمه

برطبق بند ۱ ماده ۲۸ اساسنامه محکمه رواندا، دولت‌ها موظفند در جهت تحقیق و تعقیب افراد متهم به ارتکاب نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، با دادگاه همکاری کنند. کشورها همچنین باید از هر نوع درخواستی که توسط شعبه‌ای از دادگاه برای ارائه مساعدت یا برای اجرای دستور خاصی صادر می‌شود، بدون تاخیر پیروی نمایند. ممکن است که دادگاه خواستار همکاری دولت‌ها و اجرای دستورهای خود در موارد زیر باشد: ارائه هویت و موقعیت اشخاص، اخذ شهادت و ارائه ادله، ارائه

اسناد، دستگیری یا بازداشت اشخاص، تحویل یا انتقال متهمین به دادگاه بین‌المللی رواندا. البته این موارد فقط نمونه‌ای از مصادیق همکاری می‌باشد نه همه آن‌ها (بند ۲ ماده ۲۸ اساسنامه). کشوری که حکم دستگیری یا انتقال شاهدهی به او داده شده‌است، باید بدون تاخیر و با سعی و کوشش کامل اقدامات لازم و مؤثر را برای اجرای حکم یاد شده به عمل آورد (قاعده ۵۶ آئین دادرسی محکمه).

در ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق عیناً همین مقررات در خصوص تعهد دولت‌ها به همکاری بیان گردیده‌است.

بر خلاف تعهدات مندرج در معاهدات بین‌المللی، از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (رم ۱۹۹۸)، که اساس آن تعهدات قراردادی بوده و فقط کشورهای تصویب‌کننده آن اساسنامه را شامل می‌شود؛ تعهدات مندرج در اساسنامه محکمه رواندا (ضمیمه قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت) شامل کلیه کشورهای عضو سازمان ملل می‌شود. بر اساس برخی استدلال‌ها، حتی ممکن است کشورهای غیر عضو را هم در برگیرد.

آنچه مسلم است، این که همه کشورهای عضو سازمان ملل، بر اساس ماده ۲۵ منشور موظفند تصمیمات شورای امنیت از جمله اساسنامه محکمه رواندا را اجرا نمایند. اما در خصوص کشورهای غیر عضو سازمان، بر اساس بند ۶ ماده ۲ منشور، تصمیمات شورای امنیت بر اساس فصل ۷ که در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ می‌شود، مانند اعمال تحریمات اقتصادی؛ برای کشورهای غیر عضو سازمان ملل نیز الزام آور خواهد بود. با توجه به این نکته که قطعنامه ۹۵۵ شورا بر اساس فصل هفتم منشور تصویب شده‌است، با تفسیر موسع می‌توان تعهدات کشورها مبنی بر همکاری با محکمه را حتی برای کشورهای غیر عضو نیز الزام آور دانست.

درخصوص ضمانت اجرای همکاری دولت‌ها با دادگاه، ماده ۷ مکرر آیین رسیدگی دادگاه روندا مقرر می‌دارد: «در صورت عدم اطاعت کشورها از درخواست‌های دادگاه، رئیس دادگاه ممکن است این امر را برای اتخاذ اقدام لازم به شورای امنیت

گزارش کند». در واقع شورای امنیت مجاز است برای مقابله با کشورهای متخلف بر حسب مورد تصمیمات مقتضی اتخاذ نماید.

در جهت اجرای ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه، کشورهای رواندا، مالی، سنگال، زامبیا، به درخواست محکمه اقدامات محافظتی لازم را برای شاهدان دادگاه در سرزمین‌های خودشان منظور نمودند. کشورها همچنین از اجرای احکام دادگاه استقبال کردند و مالی اولین کشوری بود که امکانات زندان را برای محکومین فراهم نمود^۱ (سایت اینترنتی دادگاه).

عدالت کیفری

در اساسنامه محکمه رواندا و همچنین در آیین دادرسی و ادله^۲ آن، ترتیباتی خاص برای حمایت از حقوق متهمین، محکومین و شاهدان و قربانیان پیش‌بینی گردیده است. این بخش به بیان نکات اساسی حمایت‌های مذکور اختصاص داده شده است.

حقوق متهمین

بر اساس ماده ۲۰ اساسنامه محکمه، کلیه متهمین از حقوق و حمایت‌های زیر برخوردار خواهند بود:

- ۱- تمامی اشخاص در برابر محکمه بین‌المللی رواندا مساوی خواهند بود؛
- ۲- فرد متهم در خصوص اتهامات وارده علیه خود، با رعایت مفاد ماده ۲۱ اساسنامه در خصوص حمایت از قربانیان و شاهدان، حق دسترسی به یک رسیدگی عمومی و عادلانه را خواهد داشت؛
- ۳- فرض بر این خواهد بود که متهم بی گناه است، مگر این که بر اساس مقررات اساسنامه محکمه مجرم شناخته شود؛

^۱- کشورهای دیگری مانند بنین، سوئیس، فرانسه، ایتالیا و سوئد نیز همین مساعدت را اعلام نمودند.

^۲- Rule of Procedure and Evidence

۴- در صورت وارد ساختن اتهام علیه متهم بر طبق اساسنامه، وی مستحق داشتن تضمینات حد اقلی زیر خواهد بود:

الف - ماهیت و دلیل اتهامی که علیه متهم وارد می‌شود، باید به زبانی که می‌فهمد، به وی تفهیم شود؛

ب - باید تسهیلات و زمان کافی برای آمادگی دفاع از خود را و همچنین برای ارتباط با مشاوره‌ای که خودش انتخاب می‌کند، داشته‌باشد؛

ج - محاکمه وی باید بدون تأخیر غیر عادی انجام گیرد.

عدم محاکمه مجدد نسبت به جرم واحد

در نظام‌های حقوقی موجود، عدم محاکمه مجدد برای جرم واحد^۱، یکی از اصول عدالت کیفری محسوب می‌گردد. همین اصل در محاکم بین‌المللی نیز شناخته شده‌است. اگر فردی در محاکم بین‌المللی محاکمه گردد، برای همان جرم در محاکم داخلی نباید محاکمه شود و یا بالعکس. ماده ۹ اساسنامه محکمه رواندا مقرر می‌دارد:

۱- هیچ فردی نباید در خصوص ارتکاب اقدامات نقض فاحش حقوق بشر دوستانه طبق اساسنامه حاضر، که قبلاً در محکمه بین‌المللی رواندا محاکمه شده‌است، دوباره در یک محکمه ملی محاکمه شود؛

۲- اما اگر فردی در یک محکمه ملی در خصوص جرائم مذکور محاکمه شود، در موارد زیر ممکن است مجدداً توسط محکمه بین‌المللی رواندا محاکمه شود:

الف - محاکمه او به عنوان جرم عادی در محکمه داخلی انجام گرفته باشد؛

ب - رسیدگی‌های محکمه ملی بی‌طرفانه و مستقل نبوده باشد و در جهت نجات متهم از مسؤولیت کیفری بین‌المللی باشد و یا این که پرونده با کوشش کافی رسیدگی نشده باشد.

^۱- Non Bis in Idem

۳ در خصوص اعمال مجازات نسبت به شخصی که طبق اساسنامه محکمه محکوم به جرمی شده باشد، محکمه رواندا آن حد مجازاتی را که توسط محکمه ملی نسبت همان شخص در خصوص همان جرم اعمال شده است، در نظر خواهد گرفت

حمایت از شاهدان و قربانیان

ماده ۲۱ اساسنامه، دادگاه رواندا را موظف می سازد که در آیین دادرسی و ادله مقرراتی را برای حمایت از شاهدان و قربانیان پیش بینی نماید. از جمله این حمایت ها، حفظ هویت قربانی می باشد. براساس قاعده ۳۴ آیین دادرسی دادگاه، تأسیس واحد حمایت از شاهدان و بزه دیدگان با اختیارات رئیس دبیرخانه و متشکل از کارمندان صلاحیتدار، پیش بینی گردیده است.

واحد حمایت از شاهدان و قربانیان در سال ۱۹۹۶ برای اجرای دستورات محکمه زیر نظر رییس دبیرخانه تأسیس گردید. اهم خدماتی که توسط این واحد ارائه می گردد عبارت است از: مراقبت های روان پزشکی و پزشکی از شاهدان در صورت نیاز و نگهداری از کودکان شاهدان در مقاطعی که آنها از کشور ویا از محل اقامت خود دور می باشند.

با وجود تأسیس واحد مذکور، با توجه به حجم گسترده جرائم ارتکاب یافته، ارائه کامل کلیه خدمات پیش بینی شده مشکل به نظر می رسد. برخی از گزارش ها از عدم اجرای مفاد مقررات تعیین شده برای حمایت از شاهدان حکایت دارد. از جمله رفتارهای ناشایست و حتی مزاحمت های جنسی توسط کارمندان محکمه در حین مصاحبه با شاهدان و اخذ شهادت از آنها؛ انتشار اسناد سری دادگاه به بیرون از دادگاه و عدم مقابله جدی محکمه از کپی و تکثیر این اسناد؛ عدم امنیت جانی شاهدان و به قتل رسیدن برخی از آنها (اون، ۲۰۰۲، ص ۹).

^۱- Owen

آمار مربوط به فعالیت واحد حمایت از شاهدان و قربانیان

در سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۰۴

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	تعداد شاهدان علیه متهمین
۲۴۴	۱۱۳	۵۸	۱۳۴	۵۶	۲۴	۲۹	۷۸	تعداد شاهدان له متهمین
۳۹	۳۱۵		۲۹	۲۳	۱۰	۳۶	۴	آمار حمایت از شاهدان بر اساس نفر به روز
۴۰۷۴		۲۷۴۹			۲۳۰۰	۱۴۰۰	۱۰۴۰	تقاضاهای تغییر محل سکونت
				۲۸	۳۲	۱۱	۱۰	شاهدانی که به حمایت‌های بیش‌تری نیاز داشتند
				۲۴	۸۳	۳۲	۷۱	شاهدان نیازمند به حمایت‌های پزشکی و روانپزشکی
۲۱۴	۱۵۲			۴۳	۱۲۰	۵۲	۵۴	

منبع: ترجمه از سایت اینترنتی دادگاه

گزارشی از وضعیت دعاوی و متهمان در دادگاه

اولین متهم در می ۱۹۹۶ به بازداشتگاه دادگاه وارد شد و اولین محاکمه در ژانویه ۱۹۹۷ آغاز گردید. بنابر آخرین اطلاعات در خصوص دعاوی مختومه تا ژوئن ۲۰۰۶ تعداد ۲۲ رأی در خصوص ۲۸ متهم صادر گردیده‌است. به طور مثال می‌توان به پرونده «جین آکایسو» اشاره نمود که اتهامات او طبق مواد ۱ الی ۴ و ماده ۱۷ اساسنامه این دادگاه، نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، شکنجه، هتک حرمت و تجاوز جنسی نام برده شده‌است. سرانجام این دعوا صدور حکم حبس ابد برای متهم بود. همچنین یکی پرونده‌هایی که دادگاه رواندا بدان رسیدگی کرد، پرونده نخست وزیر سابق دولت رواندا، «جین کاماندا» بود که اعتراف به نسل‌کشی نمود. نخستین بار در طول تاریخ بوده‌است که متهم به ژنوساید خود، صراحتاً آن را گردن می‌گیرد. دیگر این که این مورد از این لحاظ که اولین محاکمه فردی برای نسل‌کشی بود، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. سرانجام این پرونده نیز صدور حکم حبس ابد برای متهم بود. از محکومین دیگر دادگاه، «پالین نیریاماشیکا»^۱ وزیر زنان و

^۱- Paulin Nyriamashika

خانواده رواندا می باشد که خود بخش اعظمی از کشتار مردان رواندا را عهده دار بوده است (پیس، ۱۳۸۴، ص ۴۲۳).

دعاوی در مرحله استیناف، در حال دادرسی در محکمه ابتدایی و دعاوی در حال انتظار برای رسیدگی به ترتیب ۸، ۲۷، و ۱۴ مورد می باشد. ۵ متهم نیز به دلیل فقدان مدرک به طور مشروط یا به طور کامل آزاد شدند (سایت اینترنتی دادگاه).

آمار بازداشت شدگان دادگاه

تعداد نفرات	وضع افراد
۲۷	بازداشت شدگان در حال محاکمه
۱۴	بازداشت شدگان منتظر محاکمه
۱۱	منتظر انتقال
۸	در حال استیناف
۶۰	جمع بازداشت شدگان در آروشا
۶	افراد در حال گذراندن زندان (در کشور مالی)
۶۶	کل افراد دستگیر شده
۵	افراد آزاد شده
۱	فوت شده
۲۸	افرادی که پرونده آنها مختومه شده است
۲۲	
۷۲	مجموع افراد دستگیر شده

منبع: سایت اینترنتی دادگاه

آمار آرای صادر شده توسط محکمه

توضیح	تعداد آرا	سال	
در خصوص ۷ نفر	۶	۱۹۹۵ - ۱۹۹۹	۱
در خصوص ۱۴ متهم	۹	۱۹۹۹ - ۲۰۰۳	۲
در خصوص ۷ نفر	۷	۲۰۰۳ - ۲۰۰۷	۳

منبع: سایت اینترنتی دادگاه

نتیجه

محکمه کیفری رواندا، همانند دادگاه یوگسلاوی سابق، براساس قطعنامه شورای امنیت، تحت فصل ۷ منشور ملل متحد، برای محاکمه اشخاصی که مرتکب نسل‌کشی و نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی گردیده بودند، تأسیس گردید. با توجه به این که مکانیسم حقوقی رسمی وجود ندارد که تصمیمات شورای امنیت را مورد بررسی و قضاوت قرار دهد، و احتمال خروج از صلاحیت شورا، از اختیارات و وظایف قید شده در منشور را اعلام نماید؛ ارزیابی مشروعیت تصمیم شورا در تأسیس دادگاه بین‌المللی رواندا کار آسانی نمی‌باشد. با وجود این، و برغم ابراز تردید برخی صاحب‌نظران، مشروعیت تأسیس این محکمه، با استناد به اختیارات ضمنی شورای امنیت مورد تأیید قرار گرفته‌است.

استقرار محکمه بین‌المللی رواندا، سبب گشت تا زمینه‌های لازم برای رونق گرفتن و توسعه حقوق و عدالت کیفری بین‌المللی ایجاد گردد. سیاست کلی محکمه در محاکمه سران و عاملان اصلی نسل‌کشی، جنبه سمبلیک داشته و اثر عبرت‌آموزی دارد؛ اما توجه به حجم تخلفات صورت گرفته و کشته شدن صدها هزار نفر در رواندا، محاکمه تنها حدود ۷۰ نفر نمی‌تواند به معنای واقعی عدالت کیفری را تحقق بخشد. اگرچه محاکم داخلی نیز صلاحیت رسیدگی دارد، باز به دلیل حجم وسیع جرائم و نبودن تعداد کافی قضات در رواندا، دادگاه‌های ملی نیز نسبت به تحقق کامل عدالت کیفری در خصوص مجرمین، قادر نخواهند بود.

با توجه به ابعاد اسفبار انسانی و دردناک و غیر قابل جبران نسل‌کشی رواندا، مشکلات عدیده و پیچیدگی رسیدگی‌های قضایی محکمه بین‌المللی و بودجه‌های سنگین آن، اهمیت سیاست‌های پیشگیرانه از وقوع بحران‌های مشابه آشکار می‌گردد. شورای امنیت سازمان ملل، در ایفای وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی خود، باید رویکرد پیشگیرانه را در وقوع بحران‌های بین‌المللی، بیش‌تر مورد توجه قرار دهد.

مآخذ

پیس، کلی - کیت اس، سازمان های بین المللی، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.

شایگان، فریده، دادگاه ویژه سیرالئون، بولتن مرکز مطالعات بین المللی دانشگاه تهران، سال سوم، شماره ۳، ۱۳۸۲.

کریانگسانک، کیتاچایساری، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین آقای جنت مکان، تهران، انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۲.

میر محمد صادقی، حسین، اساسنامه محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا در یک نگاه، ماهنامه دادرسی، سال دوم، شماره هفتم، تهران، ۱۳۷۷.

میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷.

Alvarez, Jose, Nuremberg Revisited: The Tadic Case, European Journal of International Law, vol. 7, No. 2, 1996.

Bedjaoui, Mohammed, The New World Order and the Security Council: Testing the Legality of its Acts, Dordrecht: Martinus Nijhoff Publishers, 1994.

Boed, Roman, The United Nations International Criminal Tribunal for Rwanda: Its Establishment, Work and Impact on International Criminal Justice, Perspectives, Central European Review of International Affairs, vol. 17, winter 2001/2002.

Harmon Snow, Keith, Mass Rape and Genocide in Rwanda 1994, April 2004.

Mackenzie, Ruth and Philippe Sands, International courts and Tribunals and the Independence of the International Judge, Harvard International Law Journal, vol. 44, No. 1, 2003.

Owen, Margaret, Rwanda: War Cime Tribunals Abuse Women Witnesses, Women's International Network News, vol. 28 Issue 4, Autumn 2002.

Snow Harmon, Keith, Mass Rape and Genocide in Rwanda 1994, The Untold Story of How the Western Press both Ignored and Manipulated the Issue of Rape of Women and Girls During the 1994 Cataclysm in Rwanda, and Why, April 2004.

Van Den Herik, Larissa J., The ICTR at Sunset: an Evaluation of the Prosecution's Strategy (1994-2004), International Studies Journal, vol. 2, No. 2, Fall 2005.

اسناد بین المللی

Convention on the Privileges and Immunities of the United Nations, New York, 13 February 1946.

Rome Statute of the International Criminal Court, 17 July 1998.

Rules of Procedure and Evidence of Criminal Tribunal for Rwanda, Adopted on 29 June 1995 as amended.

Security Council Provisional Verbatim Record (S/PV. 3217), 25 May 1993.

Security Council Provisional Verbatim Record of 3175th Meeting (S/PV. 3175). 22 February 1993.

Security Council Provisional Verbatim Record of 3457th Meeting (S/PV. 3453), 8 November 1994.

Security Council Resolution 1315, 14 August 2000.

Security Council Resolution 1503, 28 August 2003.

Security Council Resolution 1534 (2004).

Security Council Resolution 808, 22 February 1993.

Security Council Resolution 827, 25 May 1993.

Security Council Resolution 955 (1994).

Security Council Resolution 977 (1995).

Statute of International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, 1993.

Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda, 1994.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی